

فصل‌نامه جندی‌شاپور، دانشگاه شهید چمران اهواز

سال سوم، شماره ۹، بهار ۱۳۹۶

تأثیر عناصر، شکل و ساختار شهرهای ساسانی بر شهرهای اولیه دوره اسلامی

پرنیا امیرحسینی^۱

تاریخ دریافت: ۹۶/۱۱/۹

تاریخ پذیرش: ۹۷/۲/۱۴

چکیده:

این مقاله به بررسی عناصر، شکل و ساختار شهرهای ایران در دوره ساسانی می‌پردازد. شهریاران ساسانی به شهرسازی اهمیت بسیار می‌دادند و بانیان بزرگ شهرها به‌شمار می‌روند، و منابع تاریخی از وسعت شهرسازی که تقریباً در زمان همه شاهان این سلسله معمول بود گواهی می‌دهند. در این دوره از تاریخ ایران، شهرسازی و توسعه زندگی شهری باعث شد تا عناصر و ساختارهای خاصی به شهرسازی ساسانی وارد شود که هدف این مقاله، بررسی این عناصر و ویژگی‌ها و تأثیر شهرسازی ساسانی بر دیگر دوره‌های تاریخ ایران است. نگارندگان بر آنند تا شهرهای ساسانی را از نقطه نظر شکل (مدور، مستطیلی و منظم) و عناصر و ویژگی‌های درون آن بررسی کنند. از نظر ریخت‌شناسی، عمده‌ترین عناصر مهم در شکل شهر ساسانی را کهندژ، شارستان، بازار و میدان تشکیل می‌دهند.

پرسش اصلی مقاله این است که عناصر سازنده، شکل و ساختار شهرهای دوره ساسانی به چه صورت بوده و شهرهای ساسانی چه تأثیری بر شهرسازی دوران پس از خود داشتند.

واژه‌های کلیدی: شهر، شهرسازی، شارستان، ساسانیان.

۱- واژهٔ شهر و مفهوم آن:

واژهٔ شهر را در زبان فارسی باستان «حَشْت» می‌گفتند و در اوستا این واژه به صورت «حَشْتَر» آمده که واژهٔ «شهر» در فارسی نو، برگرفته از همین واژهٔ اوستایی است.^۲ در روزگار ساسانی، شهر به معنای امروزی آن را «شهرستان» می‌خواندند،^۳ چنان‌که در کارنامهٔ اردشیر بابکان به صورت «شترستان» ذکر شده است^۴ و منظور از آن، مرکز ناحیه (استان و کوست) بوده است.^۵ واژهٔ «شهر» در روزگار ساسانیان مفهوم وسیع‌تری داشت و به معنای کشور، استان، ناحیه و ولایت به کار می‌رفت؛^۶ در واقع، «شهر» جایگاه پادشاهی و مرکز قدرت سیاسی و حکومت بوده است^۷ و واژهٔ «شهر» را می‌توان مترادف با واژهٔ «قلمرو» در نظر گرفت.^۸

تفاوت واژه‌های «شهر» و «شهرستان» را می‌توان از عنوان کتاب شهرستان‌های ایران‌شهر دریافت. این کتاب که در واپسین سده‌های فرمانروایی ساسانیان نوشته شده است، به بیان تاریخ، نام و ساختار سیاسی شهرستان‌های ایران‌شهر و بیان ویژگی این شهرستان‌ها می‌پردازد^۹ و در نخستین عبارت آن، هدف از نگارش کتاب را چنین ذکر کرده است: «شهرستان‌هایی که در زمین ایران‌شهر ساخته شده‌اند، هرکدام در چه روزگاری، در کجا و به دست کدام سرخدایی ساخته شده است، به تفصیل در این یادگار نوشته شده است».^{۱۰} در این کتاب، برای نام‌بردن شهرها از واژهٔ «شهرستان» استفاده کرده است: «شهرستان دارابگرد را دارا پسر دارا ساخت».^{۱۱} واژهٔ «شهرستان» برای نامیدن شهرها، بیش از ۵۰ بار در این متن تکرار شده و منظور از آن، شهر به معنای امروزی بوده است. از سوی دیگر، در «ایران‌شهر»، واژهٔ «شهر» به معنای کشور و قلمرو آمده است و منظور از آن، «کشور ایران» است.

۱. ابوالقاسمی، راهنمای زبانهای باستانی ایران، ص ۱۶۱.

۲. اوشیدری، دانشنامهٔ مزدیسنا، ص ۳۴۷.

۳. دریایی، شهرستان‌های ایران‌شهر، ص ۴۴.

۴. فره‌وشی، کارنامهٔ اردشیر بابکان، ص ۱۱۰.

۵. تفضلی، شهرستان‌های ایران، ص ۳۳۴.

۶. مهرآفرین، شهرهای ساسانی، ص ۶۶.

۷. اشرف، ویژگی‌های تاریخ شهرنشینی در ایران دوره اسلامی، ص ۱۱.

۸. تفضلی، شهرستان‌های ایران، ص ۳۳۷.

9. Daryaei, Sasanian Persia, p 375.

۱۰. دریایی، شهرستان‌های ایران‌شهر، ص ۳۷.

۱۱. همان، ص ۴۰.

«شهرستان» توسط «شهرَب» یا «شهریگ» اداره می‌شده که در دوره ساسانیان احتمالاً یک شاه محلی بوده‌است و فرمانروایان استان‌ها را که «شهربان» نامیده می‌شدند، شخص شاهنشاه منصوب می‌کرد. یک شهر یا ناحیه به «روستاگ» هایی تقسیم می‌شد که شاید هر یک از چندین دهکده تشکیل می‌شدند. کوچک‌ترین واحد، «ده» بود که یک دهقان یا دهگان ریاست آن را برعهده داشت.^۱

۲- ویژگی‌های شهر ساسانی:

شهر ساسانی مکان اصلی استقرار طبقات برتر اجتماعی بود. شاه و دربار آن در ارگ یا کاخ که در قلب شهر یا در بلندترین محل آن ساخته می‌شد، جای داشتند. در شهرهای دیگر جای خاندان شاهی را شاه محلی (سکانشاه، گیلانشاه، کرمانشاه و غیره یا خاندان‌های قدرتمند محلی مانند سورن، قارن و غیره) پُر می‌کردند. پس از آن موبدان و مغان، جنگاوران و سپاهان، دبیران و پزشکان و اشراف زمین‌دار سکونت می‌یافتند. طیف عظیم مردم مانند پیشه‌وران، بازرگانان و صاحبان حرف در خارج از چهارچوب این طبقات چهارگانه و به تبع آن در خارج از دیوارهای شهر زندگی می‌کردند.^۲

در ابتدای شکل‌گیری حکومت ساسانی، ساخت شهر به منزله ترمذ از حکومت مرکزی، اعلام استقلال و نشانه قدرتمندی محسوب می‌شد. چنان‌که اردوان پنجم در نامه‌ای به اردشیر بابکان متذکر می‌شود که «اگر ما تو را به حال خود واگذاریم، شهری بزرگ خواهی ساخت».^۳ گویا ساخت شهر در این دوره و پیش از آن در محدوده اختیارات شخصی پادشاه قرار داشت و غیر از فرمان حکومتی شهری ساخته نمی‌شد. در بین شهریاران سلسله ساسانی، یکی از نشانه‌های بهتر رهبری کردن هر شاهنشاه، توجه وی به ساختمان و آبادانی شهر و ساختن شهرهای تازه است. به همین دلیل هر یک از شاهنشاهان آن سلسله می‌کوشیدند شهرهایی را پی‌افکنند یا شهرهای کهن را نوسازی کنند.^۴ در این دوره شهرها از شالوده‌های اساسی اورگانیسم اجتماعی و سیاسی به‌شمار می‌آمدند. در این دوره شهرسازی ساسانیان در همه جا کم‌وبیش یکسان بود و بر آن بودند که جهان چهار بخش دارد و شهرها باید طوری ساخته شوند که به چهار سوی جهان گشوده شوند.^۵

۱. دریایی، شاهنشاهی ساسانی، ص ۱۲۸-۱۲۹.

۲. لینچ، توری شکل شهر، ص ۲۹-۳۰؛ حبیبی، از شار تا شهر، ص ۳۰-۳۳.

۳. طبری، تاریخ الرسل و الملوک، ص ۱۰۶.

۴. بهرامی، شهرهای ساسانی، ۲۱۵-۲۱۶.

۵. اشرف، ویژگی‌های تاریخ شهرنشینی در ایران دوره اسلامی، ص ۷ و ۹.

۳- عناصر و ساختار شهر:

از نظر ریخت‌شناسی، می‌توان عمده‌ترین عناصر مهم در شکل شهر ساسانی را چنین برشمرد:

۳-۱- کهندژ:

مجموعه‌ای است مرکب از کاخ‌ها، آتشگاه اصلی، دیوان‌ها، سربازخانه‌ها، ذخایر، خزاین و انبارهای آذوقه. این دژ در مرکز یا بالاترین نقطه شهر و مهم‌ترین نقطه سوق‌الجیشی ساخته و با دیوارهای سنگین محافظت می‌شد. این دژ در دوره اسلامی به کهندژ یا قهندژ معروف بود.^۱ این بخش، در مرکز و بهترین نقطه شهر و اغلب در سطحی بالاتر از سایر نقاط جای داشت و توسط دروازه‌ای به خارج راه داشت. کهندژ جایگاه و سکونتگاه پادشاه، حکام و درباریان بود و فضایی دارای سیستمی خودکفا بود و نیازهای ساکنانش را در درون همان فضای محصور تأمین می‌کرد. برای کهندژ، برج و بارو و خندقی جهت حفاظت ساکنانش ساخته می‌شد و آتشکده و فضاهای وابسته به آن نیز، اغلب در همین بخش احداث می‌شد.^۲

۳-۲- شارستان:

این قسمت سکونتگاه دیوانیان، اشراف و سپاهیان بود و دارای حصار و دیگر استحکامات لازم بود. در پی تکوین سازمان سیاسی و دستگاه متمرکز حکومتی و ازدیاد شایان توجه عده کارکنان اداری (دبیران)، بخش شارستان هر شهر توسعه یافت و به بخش مهمی تبدیل گشت. برخی از شاهان ساسانی، برای استفاده از نیروی اسرای جنگی، شهرهایی می‌ساختند و آنان را در شارستان جای می‌دادند و کارگاه‌هایی برای استفاده از نیروی کار آن‌ها بنا می‌شده‌است. علاوه بر اسرای جنگی، از نیروی کار صنعتگران و کارگران شهرهای دیگر کشور نیز استفاده می‌کردند و آن‌ها را در شهر جدید جای می‌دادند.^۳ شارستان خود به و به دو قسمت شارمیانی و شار بیرونی تقسیم می‌شد.

۳-۳- شار میانی و بیرونی:

۱. حبیبی، از شار تا شهر، ص ۳۲-۳۳.
۲. سلطان‌زاده، معماری و شهرسازی ایران، ص ۶۷.
۳. تقوی‌نژاد دیلمی، معماری، شهرسازی و شهرنشینی ایران، ص ۱۶۲.

مجموعه‌ای مرکب از محلات خاص برای استقرار طبقات ممتاز است. نزدیک بودن این طبقات اجتماعی به یکدیگر - چه از نظر اقتصادی و چه از نظر اجتماعی - سبب می‌شود تا شباهت بسیاری بین خانه ساکنان شار میانی و کاخ‌ها به وجود آید. شار میانی در دوره اسلامی به شارستان موصوف شد.^۱ شار بیرونی: مجموعه‌ای مرکب از محلات، خانه‌ها، بازارها، باغات و مزارع پراکنده در اطراف شار میانی است. آتشکده و بازار اصلی را می‌توان در این بخش از شهر جستجو کرد. شار بیرونی محل استقرار کلیه مردمانی است که در چهار طبقه ممتاز اجتماعی قرار نگرفته و بنابراین در دولت ساسانی نقشی ندارند. این بخش در دوران بعد از اسلام به رِبِض مشهور شد.^۲

۳-۴- بازار:

بازار به‌عنوان ستون فقرات شهر از دل شارستان (شار میانی) آغاز می‌شود و دامنه خود را به شار بیرونی (ربض) می‌گستراند و در مسیر خود، محلات را شکل می‌دهد. بازار قلب شهر می‌گردد و کالاها و مصنوعات گوناگون، از همه‌جا به آن‌جا حمل می‌شود. بازار را می‌توان یکی از مهمترین فاضله‌های عمومی شهر دانست که در دوره اول شهرنشینی، کلیه فعالیت‌های تجاری و بخش عمده فعالیت‌های تولیدی را در خود جای می‌داده است.^۳ اهمیت و نقش بازار در سازمان اجتماعی دوره ساسانی چنان شد که برای بازارها، رئیسی موسوم به «وازاربُد» انتخاب می‌شد که فعالیت و میزان قیمت‌ها در بازار، تحت سرپرستی او بود و احتمالاً ریاست کل اصناف را نیز برعهده داشت.^۴

۳-۵- میدان:

گستره‌ای وسیع در جلوی دروازه‌های شارستان و ربض ساخته می‌شدند. این میدان، همچون نمونه یونانی آن، آگورا، محل تظاهر دادوستد اقتصادی نیست و نه مانند فوروم در روم، مظهر قدرت حکومت است، بلکه میدان مکانی است که بازارها بدان باز می‌شوند و تظاهرات اجتماعی-اقتصادی درهم می‌آمیزد. میدان محلی بود برای فرمان‌های دولت، مانند بخشودگی‌ها و مجازات‌ها.^۵

۱. حبیبی، از شار تا شهر، ص ۳۳.

۲. همان‌جا.

۳. حسامیان، شهرنشینی در ایران، ص ۱۷۵.

۴. دریایی، شاهنشاهی ساسانی، ص ۱۱۲.

۵. حبیبی، از شار تا شهر، ص ۳۴.

در باب سوم وندیداد به سلسله مراتب انواع فضاها و عرصه‌های زیستی اشاره شده است. براساس متن فوق انواع عرصه‌ها به پنج گروه طبقه‌بندی شده‌اند. بهترین مکان، جایی است که در آن نیایش به جا آورده شود؛ بنابراین آتشکده یا هر نوع فضای دینی دیگر بیشترین اهمیت را داشت. در مرتبه دوم خانه‌ای که در آن مردی متأهل با همسر و فرزندانش در آن زندگی می‌کرد و جایی نیز برای نگهداری دام و حیوانات اهلی داشت، مورد توجه قرار گرفته است. در مرتبه سوم به عرصه باغ و مزارع و در مرتبه چهارم به فضای نگهداری دام‌ها و در مرتبه پنجم به چراگاه‌ها اشاره شده است.^۱

۴- تأسیسات درون شهری:

هر شهر متشکل از مجموعه‌ای بنا و تأسیسات است که به صورت اجزاء منظم و هماهنگ با یکدیگر یک واحد بزرگ و هدف‌دار را تشکیل می‌دهند. تأسیسات و بناهای موجود در هر واحد شهری برحسب زمان و مکان، فرهنگ رایج در یک منطقه و هدفمندی خاص آن با شهرهای دیگر متفاوت است. چنان‌که بناها و ساختمان‌های یک شهر شاهی (پایتخت) با یک شهر تجاری یا مرزی تفاوت‌های اساسی دارد. شهرهای دوران ساسانی از این قاعده مستثنی نیست؛ اما روی هم رفته کلیتی در آن‌ها دیده می‌شود که سیمای خاصی از آن را در تاریخ شهرسازی به نمایش گذاشته است. کاخ، معبد، سازمان‌های دولتی-دیوانی، کارگاه‌های سلطنتی، شرکت‌های تجاری، مراکز آموزشی و تربیتی و پادگان‌های نظامی از عمده‌ترین تأسیسات درون شهری ساسانی به‌شمار می‌روند.

کاخ را باید مهم‌ترین و شاخص‌ترین عنصر معماری در مجموعه شهرهای شاهی این دوره به‌شمار آورد. همچنان‌که پیش از این گفته شد، کاخ و عناصر وابسته به آن در قلب شهر یا در بهترین و بلندترین نقطه شهر بنا می‌گردید.

کاخ یک بنای واحد نبود؛ بلکه مجموعه کاملی را تشکیل می‌داد که ممکن بود سطحی برابر با چند کیلومتر مربع را در بر بگیرد. چنین مجموعه‌ای باید به گونه‌ای طراحی می‌شد که نیازهای عمومی و خصوصی در بار را برآورده سازد.^۲ میزان سلامت کاخ‌های ساسانی پیش از هر بنای دیگری از این دوره به دلیل ضخامت، مصالح خوب و طرح‌های مهندسی ساز و مختصان کارآموده است.

وجه مشخصه کاخ‌های ساسانی وجود یک ایوان عمیق مرتفع و عریض با طاق گهواره‌ای و اتاق‌های جانبی متقارن در طرفین آن است که به یک بنای بزرگ گنبددار ختم می‌شود. بخش خصوصی کاخ شامل

۱. سلطان‌زاده، معماری و شهرسازی ایران، ص ۱۸۹.

۲. هیلن براند، معماری اسلامی، ص ۳۸۱.

یک حیاط با ایوان‌ها و تالارهای بزرگ هم اندازه بود که بصورت قرینه در پشت گنبدخانه قرار داشت (کاخ فیروزآباد). در شهرهای مرکزی ایالات شاهنشاهی، کاخ یا قیصر سلطنتی جای خود را به ارگ حاکم که منصوب شاه ساسانی بود، می‌داد.

از آنجا که حکومت ساسانی بر بنیاد دین پی‌ریزی شده بود، مراکز عبادی از جایگاه بالا و مقدسی برخوردار بودند. کاخ و معبد (مانند شهر گور و بیشاپور و کاخ کوه خواجه) در این دوره در کنار هم و بر یکدیگر سایه انداخته بودند. اما در دوره ساسانی میانه و متأخر این وضعیت تا حدودی دستخوش تغییر گردید و کاخ از معبد فاصله گرفت. نکته دیگر آنکه در ابتدای حکومت ساسانی، معابد آب (معبد آناهیتا) نقش چشمگیری داشت؛ اما پس از شاپور اول و با قدرت گرفتن کرتیر معابد آتش (آتشکده) قوت گرفت. آتشکده‌ها در سه شکل چهارتاقی ساده، چهارتاقی با دالان طوافدار و چهارتاقی با دالان طوافدار و هشتی مسقف ساخته می‌شد.^۱

با دوایری که بر گرد دایره مرکزی شهر گور کشیده شده و با احداث معابری به موازات دو خیابان اصلی شهر، فضای داخلی شارستان به بلوک‌های فراوانی تقسیم گردیده است. این عرصه‌ها کوی و برزن شهر را تشکیل می‌داد و در آن‌ها گروه‌های اجتماعی مشخص سکونت داشتند. سازمان‌های دولتی - دیوان، کارگاه‌های سلطنتی و پادگان نظامی و زندان در این بخش قرار داشت. در شهرهای غیرشاهی بازار در این بخش واقع بود.

از تأسیسات عمومی درون شهری می‌توان به خیابان‌ها و معابر، نهر و حوض آب، مراکز طبابت، مراکز دینی و داوری و غیره اشاره کرد.

۵- شکل شهرهای ساسانی:

شکل شهر بازتاب دهنده ساختار اجتماعی و اقتصادی مسلط بر جامعه شهری است. مناسبات اقتصادی - اجتماعی هر شهر نیز در کنار سایر عوامل مهم (آموزه‌های اعتقادی مسلط، شرایط طبیعی و جغرافیایی و غیره) تأثیرات عمیقی بر چگونگی ترکیب و آرایش عناصر اصلی زندگی شهری و تعیین ویژگی‌های اصلی بافت آن بر جای می‌گذارد. همچنین شکل شهر تابعی از شرایط نظام اجتماعی مسلط بر یک دوره تاریخی است.^۲ «نقشه شهر بازتاب معتقدات، باورها و طرز تفکر و اندیشه مردمی است که

۱. مهرآفرین، چهارتاقی، آتشکده‌ای در کوست خوربران، ص ۷۷.

۲. همان، ص ۲۱۹.

در محدوده جغرافیایی شهر زندگی می‌کنند»^۱. علاوه بر این باید تأثیر فرهنگ‌های دیگر اقدام و موقعیت طبیعی نامنظم و غیر هندسی محل را هم بر عوامل فوق افزود.

مطابق نظریه عملکردهای، شهرهای ساسانی به سه دسته تقسیم می‌شوند:

۱. شهرهای مدور، ۲. شهرهای مستطیلی (هیپودام)، ۳. شهرهای منظم.

از شهرهای مدور دوره ساسانی به دارابگرد، اردشیر خوره، مرو و تخت سلیمان می‌توان اشاره کرد. از شهرهای مستطیلی (هیپودام) به بیشابور، جندی شاپور، ایوان کرخه، سیراف، نیشابور و استخر، و از شهرهای نامنظم، رام شهرستان، تیسفون و قصر شیرین را می‌توان نام برد. البته برخی تیسفون را در زمره شهرهای مدور می‌دانند.^۲ نخستین شهر ساسانی - اردشیر خوره - که به دست اردشیر بابکان ساخته شده، دایره‌ای شکل بود. این شکل پیش از این و در دوره اشکانی مرسوم بود. چنان‌که شهر هاترا و دارابگرد تقریباً دایره‌ای شکل است. گفته می‌شود که این طرح برگرفته از اردوگاه نظامی پارتیان است.^۳

انتخاب شکل دایره یا چیزی شبیه آن، آسانی دفاع از شهری به این شکل است. ساسانیان در ابتدای کار در ساخت شهرهای خود کاملاً تحت تأثیر شهر سازی دوره اشکانی بودند. «شاید بنای مدور شهر، تصویری از کیهان مدور و گردش سیارات است و احتمالاً رابطه‌ای هم با صور فلکی و نیز زمان دایره‌ای دارد». شهر گور با حصارهای مدور و متداخل از نوع شهرهای درون‌گر است که بسته و کاملاً خصوصی می‌باشد. امکان رشد و گسترش در چنین شهرهای بسته وجود ندارد.

هر چیز از خود شهر گرفته تا محلات، خیابان‌ها، بخش‌ها تا مجموعه‌های مسکونی، خانه‌ها و اتاق‌ها همه باید محصور بوده و دارای در و دروازه باشند. حتی راه‌های ارتباطی عمده نیز کاملاً محصور هستند. این راه‌ها به کوچه‌های کوچک‌تر محلی و از آن‌ها به بن‌بست‌های بسیار تنگ و باریک و سپس به ورودی‌های خصوصی و نهایتاً به وسیله راهروهای باریک و اتاق‌ها و ایوان‌های منتهی می‌شود، راه‌های اصلی شهر را می‌توان به هنگام شب کاملاً بست و به این ترتیب ارتباط بین محلات مختلف را قطع کرد. بخش‌های تجارتي شهر را نیز می‌توان به منظور تأمین امنیت در شب محصور نمود و ارتباط آن را با سایر نقاط قطع نمود.^۴

۱. فرید، جغرافیا و شهرشناسی، ص ۹۴.

۲. مستوفی قزوینی، تاریخ گزیده، ص ۱۰۵.

۳. بوسایلی، تاریخ هنر ایران، ص ۴۱.

۴. لینچ، تئوری شکل شهر، ص ۵۰۹.

در زمان شاپور اول ساخت شهرها با پلان گرد منسوخ و استفاده از پلان مستطیلی یا هیپودام معمول شد. این رسم بر گرفته از نام هیپوداموس، معمار یونانی اهل ملطیه است که در قرن پنجم پیش از میلاد می‌زیست.

نتیجه‌گیری:

با بررسی منابع مرتبط با دوره ساسانی می‌توان چنین نتیجه گرفت که ساختار اصلی شهرهای ساسانی شامل کهندژ، شارستان، شارمیانی و بیرونی، بازار و میدان بوده‌است که کهندژ محل استقرار حکومت و فرمانروای شهر بوده‌است و شارستان که خود به دو قسمت شارستان میانی و شارستان بیرونی تقسیم می‌شد، سکونتگاه دیوانیان، اشراف و سپاهیان بود. بازار به‌عنوان قطب اقتصادی و مرکز دادوستد و تجارت، از نقش مهمی در توسعه شهر برخوردار بوده‌است و نبض اقتصادی شهر در آن جریان داشت و ارتباط مهمی با میدان داشت زیرا میدان محل گردآمدن گروه‌های مختلف اجتماعی بود و معمولاً از نظر مکانی در جایی واقع شده بود که به بازار ارتباط داشت.

شکل شهر بازتاب دهنده ساختار اجتماعی و اقتصادی مسلط بر جامعه شهری است. مناسبات اقتصادی- اجتماعی هر شهر نیز در کنار سایر عوامل مهم (آموزه‌های اعتقادی مسلط، شرایط طبیعی و جغرافیایی و غیره) تأثیرات عمیقی بر چگونگی ترکیب و آرایش عناصر اصلی زندگی شهری و تعیین ویژگی‌های اصلی بافت آن بر جای می‌گذارد. شهرهای ساسانی نیز از لحاظ شکل عموماً به شهرهای مدور، شهرهای مستطیلی (هیپودام) و شهرهای منظم تقسیم‌بندی می‌شوند که دارابگرد، اردشیر خوره، مرو و تخت سلیمان شهرهای مدور بودند و از شهرهای مستطیلی (هیپودام) به بیشابور، جندی‌شاپور، ایوان کرخه، سیراف، نیشابور و استخر می‌توان اشاره کرد و رام شهرستان، تیسفون و قصر شیرین از شهرهای نامنظم این دوره بودند.

منابع و مأخذ:

- ابوالقاسمی، محسن. *راهنمای زبانهای باستانی ایران*، ج ۲، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتاب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، ۱۳۷۶.
- اشرف، احمد. «ویژگی‌های تاریخ شهرنشینی در ایران دوره اسلامی»، *نامه علوم اجتماعی*، تهران: انتشارات دانشکده علوم اجتماعی و تعاون دانشگاه تهران، ۱۳۵۳.
- بوسایلی، ماریو و امبرتو شراتو. *تاریخ هنر ایران (۲)*، ترجمه یعقوب آژند، تهران: مولی، ۱۳۸۳.
- بهرامی، اکرم. «شهرهای ساسانی»، *مجله بررسی‌های تاریخی*، شماره ۲، سال ۱۲، ۱۳۵۶.
- تفضلی، احمد. «شهرستان‌های ایران»، در *شهرهای ایران*، ج ۳، به کوشش محمدیوسف کیانی، تهران: جهاد دانشگاهی و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸.
- تقوی‌نژاد دیلمی، محمدرضا. *معماری، شهرسازی و شهرنشینی ایران در گذر زمان*، تهران: انتشارات یساولی، ۱۳۶۳.
- حبیبی، محسن. *از سار تا شهر*، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۵.
- حسامیان، فرخ. *شهرنشینی در ایران*، تهران: آگاه، ۱۳۶۳.
- دریایی، تورج. *شهرستان‌های ایران*، تهران: توس، ۱۳۸۸.
- سلطان‌زاده، حسین. *معماری و شهرسازی ایران به روایت شاهنامه فردوسی*. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۷۷.
- طبری، ابوجعفر محمد بن جریر. *تاریخ الرسل و الملوک (بخش ایران از آغاز تا سال ۳۱ هجری)*. ترجمه صادق نشأت، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۴.
- فره‌وشی، بهرام. *کارنامه اردشیر بابکان*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۶.
- فرید، یدالله. *جغرافیا و شهرشناسی*. تبریز: دانشگاه تبریز، ۱۳۷۱.
- لینچ، کوین. *تئوری شکل شهر*. ترجمه حسین بحرینی، تهران: دانشگاه تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ، ۱۳۸۱.
- *متن‌های پهلوی*، گردآورده جاماسب جی دستور و منوچهر جی جاماسب آسانا، پژوهش سعید عریان، تهران: سازمان میراث فرهنگی و کشور، ۱۳۸۲.
- مستوفی قزوینی، حمدالله. *تاریخ گزیده*. به اهتمام عبدالحسین نوایی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۳۹.
- مشکور، محمدجواد. *جغرافیای تاریخی ایران باستان*. تهران: دنیای کتاب، ۱۳۷۱.

- مهرآفرین، رضا و ابراهیم احمدی هدایتی. «چهارقابی، آتشکده‌ای در کوست خوربران»، باغ نظر، شماره هجدهم، سال هشتم، پاییز، ۱۳۹۰.
- مهرآفرین، رضا. *شهرهای ساسانی*. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتاب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، ۱۳۹۳.
- هیلن براند، روبرت. *معماری اسلامی*. ترجمه آیت‌الله‌زاده شیرازی، چاپ دوم، تهران: روزبه، ۱۳۸۳.
- Daryaei, Touraj. *Sasanian Persia: The Rise and Fall of an Empire*, I.B.Tauris, 2008.

